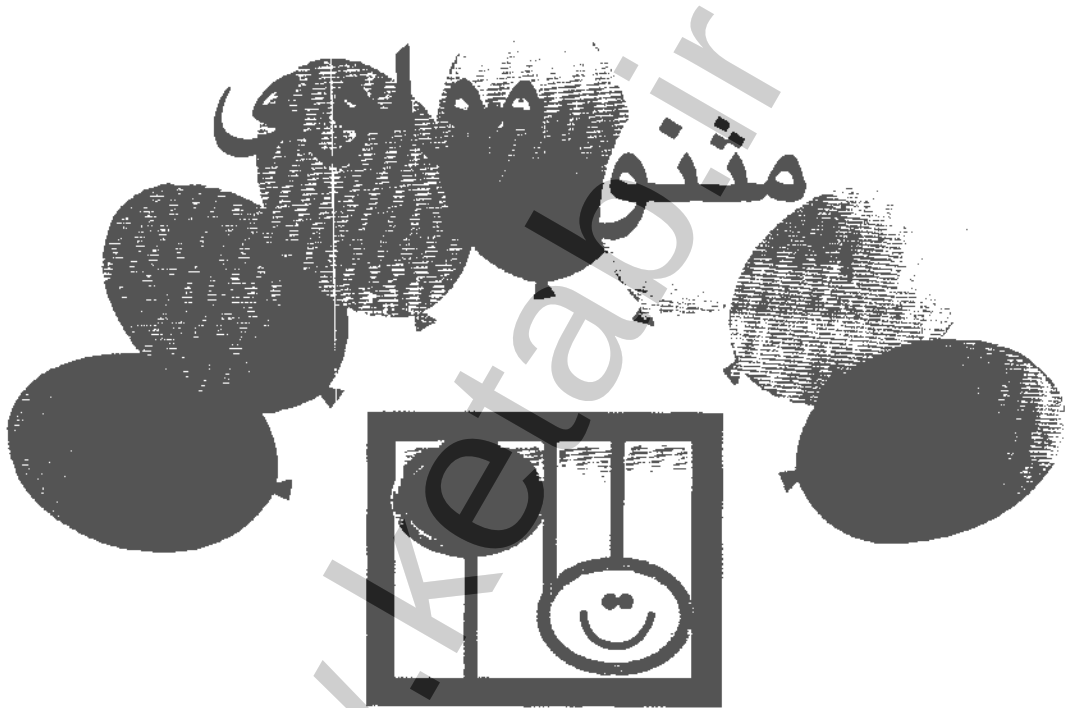


گنجینه ارزشمند ادبیات فارسی



اثر برگزیده یونسکو برای کودکان
و نوجوانان به منظور بزرگداشت مولوی

مجموعه داستانهای مقتبس از مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان

ناشر: موسسه فرهنگی هنری طاهر

باز آفرینی: مریم شریف رضویان، فریدون اروجلو

تصویرگر: سلیم صالحی

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپ اول: پاییز ۸۶

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

آدرس: میدان ونک، خیابان ونک، نرسیده به بزرگراه کردستان، ساختمان آینه ونک، طبقه چهارم، واحد ۴۰۷

تلفن: ۸۸۷۸۶۶۷۹-۸۰، ۸۸۷۸۹۱۲۷-۸۱، فاکس: ۸۸۷۸۶۴۹۴

دفتر انقلاب: خیابان ۱۲ فروردین، رویروی ساختمان ناشران، پلاک ۲۵

تلفن: ۶۶۴۰۱۳۹۴، ۶۶۹۷۴۷۱۱



حق چاپ و نشر محفوظ است.

سرشناسنامه	شریف رضویان، مریم
عنوان قراردادی	مثنوی، برگزیده.
عنوان و نام پدیدآور	گنجینه ارزشمند ادبیات فارسی مثنوی مولوی/تالیف مریم شریف رضویان، فریدون اروجلو.
مشخصات نشر	تهران: طاهر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	ج ۲.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۰۷-۱۱۳-۱۵۰۰۰۰ (ج. ۲) ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۷-۱۱۳-۱۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
موضوع	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. -- اقتباسها.
موضوع	داستانهای کوتاه فارسی -- قرن ۱۳
شناسنامه افزوده	اروجلو، فریدون، ۱۳۳۵-
شناسنامه افزوده	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی، برگزیده.
رده بندی کنگره	۸۱۳۸۶/۵۹۱۳۸۶/۸۱۲۳
رده بندی دیویی	۸۸۶۳/۶۲ PIR
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۸۱۶۴۸

کودکان افسانه ها می آورند درج در افسانه شان بس سر و پند مولوی

موسسه فرهنگی هنری طاهر همواره در راه اعتلای فرهنگ غنی ایران کوشیده است، از این رو با نوشتن متونی ساده و روان مقتبس از مثنوی معنوی، اصل مهم آموزش و تعلیم و تربیت در دوران کودکی و نوجوانی را مد نظر قرار داده است تا با تعلیم کودکان و نوجوانان به اصول و الای اخلاقی به حفظ و تعالی جامعه آینده کمکی کرده باشد. من نیز امیدوارم که این گونه فعالیت های سازنده در جهت رشد جامعه همواره در کشور ایران ادامه پیدا کند.

م . الهی قمشه ای

امروز در سراسر جهان کمتر کسی است که اهل اندیشه و دل باشد و مولانا جلال الدین محمد بن بلخی را نشناخته باشد و از سرچشمه بر معنی و غزوی یعنی مثنوی شریف بهره و لذت نبرده باشد. در جهانی که پنجره های زمین و آسمان به روی آدمی بسته شده و بوی خداوند و لطایف معنوی از روح انسان ماشین زده ر بوده شده و بیش از هر زمان دیگری انسان امروز تنها و خسته به نظر می رسد، شعر دل انگیز مولانا پرده های سیاه را در برابر دیدگان انسان محنت زده امروز می گشاید و کریمانه روی آفتاب را به دل های سوخته هدیه می دهد.

وز زبان و سود وز خوف زوال
نه بسوی آسمان راه سفر

دل همه روز از لگدکوب خیال
نه صفا می ماندش نه لطف و فر

او از یک جهان واقعی خبر می دهد که اگر چشمان آدمی با اسرار آن آشنا شود، درد تنهایی، اضطراب و نگرانی هراس از مرگ را درمان می کند و دلیرانه در یک مسیر روشن به دنبال فضیلت و افزایش روح می شتابد، جهانی که آدمی از طریق عشق به آنجا پا می نهد و با همسایه شدن در کنار اولیای خداوند و حضور در نیستان، خداوند جمیل را تجربه کرده، سپس صد جان می یابد.

واندر دل و جان ایمان منی
یک جان چه بود، صد جان منی

سلطان منی، سلطان منی
در من بدمی، من زنده شوم

مولوی تمامی تجربه‌های ناب عرفانی خود را از طریق تمثیل، نهاد سازی و نیز به کار بردن قصه‌های شیرین به روح و اندیشه مخاطبان خود آن هم کریمانه و رایگان هدیه می‌دهد و بسیار می‌کوشد تا به دور از کاربرد کلمات مبهم و نامعلوم و یافته‌های سنگین دور از دست، درون خود را گشوده و شیرینی دریافت‌های معنوی خویش را به جان‌های دردمند منتقل سازد. به همین سبب هم‌نشین خوشحالان و بدحالان می‌شود تا با نامه‌ی، سرّ خود را باز گوید و مشتریان نور و رهایی را به باغ سرسبز عشق دعوت نماید.

در این میان، طبقات مختلف و یا حتی سنین مختلف می‌توانند پای در این باغ سرسبز گذارند و از میوه شیرین و لذیذ آن بهره‌بردارند، جان تازه گیرند که صد البته به سبب شیوه انتقال معانی یعنی بهره‌گیری از داستان و نیز نمادهای دریا، صحرا، کوه، آفتاب، خورشید و حتی حیوانات متعدد مثل باز شکاری، جغد، روباه، گرگ، شیر، شتر، خرگوش، مار، ... و نیز گل سوسن و لاله و نرگس و کلماتی چون قند، عسل، نور، شیرینی، قریب‌ی، مولوی می‌تواند حتی دل افرادی را ببرد که از سنین پایین‌تری برخوردارند و در دوره کودکی و نوجوانی به سر می‌برند و اهمیت موضوع از آنجاست که در این سنین دریافت معانی و تصورات نیک راحت‌تر و روان‌تر است و روح آدمی با واژگانی زیباتر و لطیف‌تر شکل می‌گیرد و زمینه تربیت شخصیت‌های محبت‌جو، خود شکوفا، صلح طلب، حقیقت جو بدین وسیله فراهم‌تر می‌گردد و ضمن شکل‌گیری یک شخصیت سازنده معنوی، تلاشی صورت می‌گیرد تا در صد خشونت، بی‌رحمی و بی‌انصافی نیز کاهش یابد و نسل آینده از درد بی‌هویتی و خستگی روانی کمتر رنج ببرد.

وضع داستان‌های مثنوی گونه‌ای است که به سبب جذابیت ملموس و زنده آنها کودکان و نوجوانان که به عرصه نقد و نظر عقلانی صرف هنوز نرسیده‌اند، می‌توانند از طریق حضور در صحنه داستان، خود را جزو زیبایی آن احساس کرده و آماده برای پذیرش نقش‌های سازنده و دور از نقش‌های ویرانگر باشند و از روشنی روح و بهداشت روانی بیشتری نیز برخوردار باشند. لذا اقدام اخیر موسسه فرهنگی هنری طاهر را باید با نگاهی مثبت و بسیار مهم ارزیابی کرد و در تکمیل گام موثری که برداشته شده صادقانه مشارکت نموده و این پروژه را به سرانجامی روشن رساند.

گویی که از این طریق قلب مهربان کودکان پر از معنی شیرین شفقت و دلسوزی نسبت به دیگران و یگانگی و دوستی با خداوند و صلح و سازگاری بین همه کودکان سراسر جهان گردد.

دکتر ناصر مهدوی

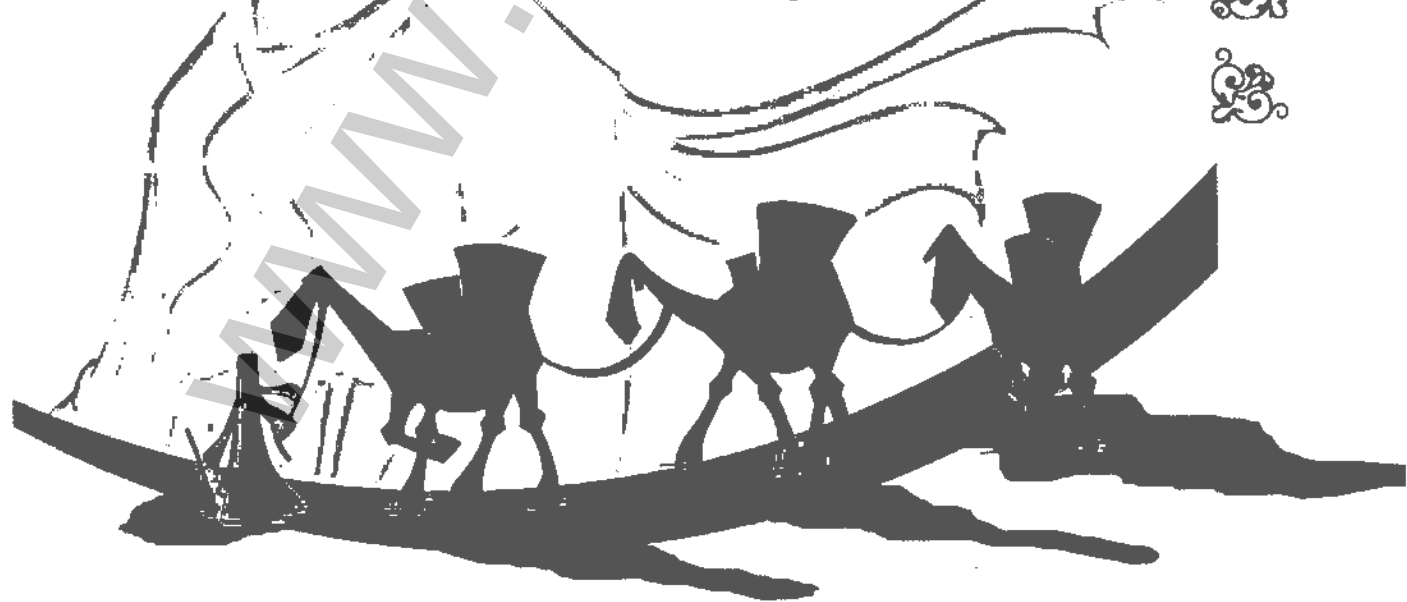
عنوان داستان‌ها

۱۵۷	طبيب دانا	۹	پادشاه و دلچک
۱۶۹	طوطی و بازرگان	۲۱	تدبير کودکانه
۱۸۱	مرد دباغ و بازار عطر فروشان	۳۳	خوانمردی
۱۹۳	مرد هیزم فروش	۴۵	زرگر دانا
۲۰۵	موش خودپسند	۵۷	شتر زیرک
۲۱۷	مرد مسافر و مار سیاه	۶۹	شغالی که طاووس شد
۲۲۹	معمای دوستی	۸۱	شیر بهتر می‌داند
۲۴۱	وفاداری	۹۳	شکار اژدها
۲۵۳	هم زشت هم زیبا	۱۰۵	شاهزاده و جادوگر
۲۶۵	مرد سقا و خرش	۱۲۱	طوطی طاس و بقال
۲۷۷	خر برفت و خر برفت	۱۳۳	طاووس عاقل
۲۸۹	رسم مهمان نوازی	۱۴۵	طلسم

زندگی مولانا جلال الدین محمد بلخی

آن شب در خانه بهاء الدین شور و نشاط عجیبی موج میزد، عده زیادی از خدمتکاران با طبق‌های پر از میوه و شیرینی از میهمانان پذیرائی می‌کردند، بوی خوش عود و اسفند در فضای خانه پراکنده شده بود. تعداد زیادی از علما، بزرگان و مردم بلخ برای گفتن تبریک تولد فرزند نو رسیده سلطان العلماء معروف به بهاء الدین که یکی از بزرگان و عالمان مشهور خراسان آن روز به شمار میرفت به آنجا آمده بودند. مر اسم نامگذاری دومین فرزند بهاء الدین طی آداب ویژه‌ای برگزار شد. بهاء الدین که نام فرزند اول خود را علاء الدین محمد نام نهاده بود فرزند نو رسیده خود را که بعدها به مولانا مشهور شد؛ جلال الدین محمد نام گذاشت.

مولوی در سن نوجوانی به علت اختلافی که بین پدر با نفوذش با سلطان محمد خوارزمشاه (یکی از پادشاهان سلجوقی) پیدا شد، همراه خانواده مجبور به ترک خراسان و مهاجرت از ایران گردید. این سفر مصادف با هجوم چنگیز خان مغول در سال ۶۱۰ هجری قمری صورت گرفت. در این سفر که از طریق نیشابور انجام شد، میان پدر مولانا و شیخ عطار دیداری صورت گرفت عطار در این دیدار ضمن سفارش در مراقبت و ذقت در تربیت مولانا به او گفت که آینده فرزند او را بسیار درخشان می‌بیند، در این ملاقات عطار کتاب اسرار نامه خویش را به مولانا هدیه کرد و او از آن پس این کتاب را پیوسته با خود داشت و از آن بهره می‌برد.



بهاء الدین به همراه خانواده خود از خراسان عزم بغداد کرد و از آنجا پس از سه روز اقامت عازم مکه شد و پس از انجام مراسم حج به شام رفت و مدتها در آنجا ماند و از طریق شام به قونیه (ترکیه کنونی) که در آن زمان پایتخت حکومت سلجوقیان بود وارد شد. مولانا در این سالها همراه پدر و در محضر او به فراگیری علم و دانش مشغول بود.

مولانا در سن هیجده سالگی ازدواج نمود و در سن ۲۴ سالگی زمانی که پدر خود را از دست داد بر مسند تدریس به جای پدر نشست و مانند او به ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

در طی این سالها آوازه او در همه جا پیچید و کرسی درس و بحث فقه و علوم دینی مولانا هر روز زلال جان تشنگان علم و دانش را سیراب می کرد بطوریکه بزودی تعداد شاگردان او به چهارصد نفر رسید.

بزرگترین حادثه زندگی مولانا در سال ۶۴۲ اتفاق افتاد. در این سال او با شخصیت عالم و وارسته ای به نام شمس تبریزی آشنا شد و طی سالی که شمس در قونیه اقامت داشت، مولانا با پشت کردن به تمام امور دنیوی با او هم صحبت شد. تاثیرات روحی و روانی شمس در مولانا به قدری عمیق و ماندگار بود که تحول عظیمی در زندگی مولانا بوجو د آورد،



تا جایی که موجب پیدایش بزرگترین آثار ادبی و تربیتی در تاریخ ادبیات این سرزمین شد. دیری نپائید که دوران هم نشینی مولانا و شمس به پایان رسید و در اثر بدخواهی و حسادت بعضی از شاگردان و اطرافیان مولانا، شمس قونیه را ترک کرد و این فراق و دوری تا آخر عمر مولانا را در حسرت دیدار باقی گذاشت. تاثیر معاشرت و هم صحبتی مولانا با شمس و عالمان دیگری هم چون حسام الدین و شیخ صلاح الدین باعث گشوده شدن درهای علم و معرفت و عرفان بر دل و جان مولانا گردید تا جایی که موجبات تالیف کتاب عظیم مثنوی و دیوان شمس که از جمله آثار ارزشمند ادب ایران زمین است فراهم آمد. این دو اثر گر انقدر قرن هاست هم چون داروئی شفا بخش درمان دردها و راهگشای مشکلات است که ضمن بیان داستانهای شیرین و مفاهیم عمیق و زیبای ادب

فارسی بهترین راهنمای تربیتی جوامع انسانی بشمار میرود.

این دو اثر به یادماندنی با هفتاد و پنج هزار بیت شعر (بیش از بیست و پنج هزار بیت در شش دفتر مثنوی و حدود پنجاه هزار بیت غزلیات شمس) از بزرگترین آثار ملی ایران و ادبیات کهن محسوب می گردد.

مولانا در سرودن رباعی نیز مهارت داشته و دیوان باقی مانده از رباعیات او شامل شانزده هزار بیت است. علاوه بر این از مولانا آثاری به نثر نیز بر جای مانده که حاصل مجالس سخنرانی اوست.

غروب روز یکشنبه پنجم ماه جمادی سال ۶۷۲ روز غم انگیزی بود. روزی که آفتاب عمر بزرگترین عارف و نامی ترین شاعر ایران زمین غروب کرد و مولانا در سن ۶۸ سالگی زندگی را بدرود گفت. پیکر او در کنار قبر پدرش در قونیه ترکیه به خاک سپرده شد و امروز زیارتگاه مشتاقان و دوستداران این عارف نامی ایران است.

